

افسانه سه برادر؛ نگاهی به پوستره‌های سیاسی برادران شیشه‌گران

این مطلب پیش از این در شماره ۱۶۸ تندیس منتشر شده است

آرش تنهایی

پوستر سیاسی آینه‌ای است که از شیوه بیان سیاسی هر ملت آرزوها، امیدها، ملاحظت و خشم‌هایش می‌گوید. با نگاهی اجمالی به پوستره‌های روسی، کوبایی، مکزیکی و چینی به اهمیت و ریشه‌دار بودن اتفاق‌های سیاسی و فرهنگی پی می‌بریم و از انعکاس آن در تعدادی از کتاب‌ها و مقالاتی که درباره گرافیک و پوستره‌های انقلابی نگاشته‌شده، این رخداد را باور می‌کنیم. چیزی که کمبود آن در هنرهای تجسمی، خصوصاً گرافیک ایران، بسیار احساس می‌شود. این نوشتار می‌کوشد با بررسی آثار گرافیک و پوستره‌های سیاسی برادران شیشه‌گران، به یکی از مهم‌ترین جریان‌های گرافیک سیاسی ایران بپردازد. روشنگری‌ها و تحولات فکری اواخر دوران قاجار و گسترش ارتباط با جهان خارج و شروع انتشار روزنامه‌های متعدد، عرصه را برای بروز گرافیک اجتماعی-سیاسی، نخست به شکل کاریکاتور، فراهم کرد؛ و تا سال‌ها گرافیک سیاسی به شکل پوستر به وجود نمی‌آید. شاید یکی از علل را بتوان در نبود تحمل نقد در حاکمیت برشمرد، هرچند بررسی علل و آسیب‌شناسی عدم رشد این مقوله در این اندک نمی‌گنجد. تنها در سال‌های انقلاب است که این جریان به صورت خودجوش شکل می‌گیرد. آثار برادران شیشه‌گران در این دوره عرضه می‌شوند، اما زمینه‌های اجتماعی آن را می‌توان در فضای باز سیاسی سال‌های پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ جستجو کرد. در طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ است که نویسندگانی چون جلال آل احمد، رضا براهنی و غلامحسین ساعدی آثاری منتشر می‌کنند که کنایه‌هایی در انتقاد به وضع کشور در آن مستتر است. شاعرانی چون شاملو، کسرابی، گل‌سرخ و اخوان ثالث نیز چنین اشعاری دارند. موج نوی سینمای ایران نیز فیلم‌هایی چون قیصر، گاو، تنگسیر، آرامش در حضور دیگران، سفر سنگ، طبیعت بیجان، گوزن‌ها، ... را عرضه کرده است. در تئاتر، نمایش‌نامه‌نویسانی چون ساعدی، یلفانی، سلطان‌پور و حکیم‌رابط حرف‌های خود را می‌زنند و در موسیقی نیز خوانندگانی چون فریدون فروغی، فرهاد مهراد، داریوش اقبالی و مازیار؛ و ترانه‌سرایانی چون ایرج جنتی عطایی، اردلان سرفراز و شهیار قنبری، هر یک به نوعی صدای اعتراض مردم‌شان هستند. سرانجام در چنین فضای ناآرامی است که پوستره‌های این سه برادر متولد می‌شوند.

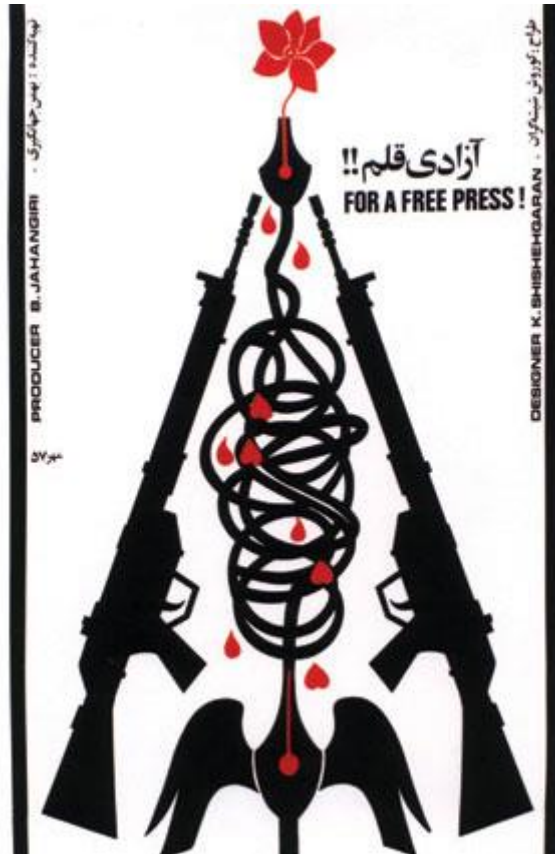




در جوش و خروش‌های پیش از انقلاب طراحان گرافیک نیز از این گود خارج نیستند. گروهی از دانشجویان هنرهای زیبا همچون امیر اثباتی، اکبر اهری‌پور، محمد فرزین، عبدالرضا نیکو، ... و قدیمی‌ترهای دانشکده آراییک باغداساریان و نیکزاد نجومی پوسترهایی برای انقلاب، خلق می‌کنند. این گروه در فضایی آرمانی نام هیچ طراحی را بر پوسترها درج نمی‌کنند؛ فقط در پایین پوسترها آرمی کوچک از ترکیب یک مشمت و یک ستاره به چشم می‌خورد. اما با کمی کنجکاوی می‌توان قلم نیکزاد نجومی را در پوسترهایی «زباله‌دانی تاریخ»، و «زنده‌باد آزادی» و طنز و توانایی کارتونیستی چون آراییک را در پوسترهایش تشخیص داد. گروه دیگری نیز از دانشجویان هنرهای زیبا، پس از پیروزی انقلاب، نمایشگاهی از آثار خود را در حسینیه ارشاد برگزار می‌کنند که بعدها بخش جسمی حوزه هنری را شکل می‌دهند. با این وصف، هیچ یک از گروه‌ها و جریان‌های هنری و طراحان مستقل استمرار برادران شیشه‌گران را در خلق پوسترهایی سیاسی ندارند. چهل پوستر ماحصل تلاش چندساله (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۲) کوروش، بهزاد و اسماعیل و افزودن آن به فرهنگ تصویری و گرافیک ایران است. چهار برادر و دو خواهر، مادری خانه‌دار و پدری صنعتگر خانواده شیشه‌گران را تشکیل می‌دهند. پدر صنعتگر بود. قطعات و ابزار تعمیر می‌کرد. دستی در تعمیر گرامافون داشت و شوقش را با کشیدن گنجشک در دفتر فرزندانش و تلاش برای کسب معاش ارضا می‌کرد. کودکی فرزندان این خانواده در محله‌هایی چون هاشمی، خوش، سلسبیل و نواب گذشت. محله‌هایی که در آن سال‌ها آبش از جوی آب و آب‌انبار تأمین می‌شد و طعم فقر داشت. از فرزندان اکبر شیشه‌گران، کوروش (۱۳۲۳)، بهزاد (۱۳۳۱) و اسماعیل (۱۳۳۴) به دنبال هنر می‌روند. ابتدا کوروش وارد هنرستان هنرهای زیبا می‌شود. بعد بهزاد و اسماعیل نیز وارد هنرستان هنرهای زیبا و از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند. و باز هر سه به دانشکده هنرهای تزئینی راه می‌یابند. کوروش در رشته معماری داخلی و بهزاد و اسماعیل در رشته گرافیک تحصیل می‌کنند. در ۱۳۵۴، کوروش با چاپ پوستری با عنوان «هنر + هنر»،

خیابان شاهرضا را به عنوان یک اثر هنری معرفی و مردم را به دیدن این خیابان دعوت می‌کند. او در نظر دارد گرافیک را از قید سفارش‌دهنده رها کند و خود سفارش‌دهنده پوسترهایش باشد. این شاید از نخستین پوسترهای خودانگیخته است که در ایران بدون سفارش‌دهنده، تولید و پیام خود را به مخاطب انتقال می‌دهد. پس از آن در واش‌آرت در واشنگتن پوستر با عنوان «هنر دروغ»، نمایشگاه را به عنوان یک اثر هنری متعلق به خود اعلام می‌کند. پس از آن پوستر «برای صلح در لبنان» را طراحی و با حمایت بهمن جهانگیری منتشر و با پست به گیرندگان نامعلوم در نقاط مختلف ارسال می‌کند و پس از آن، پوستر «آزادی قلم» را با همکاری بهزاد و اسماعیل منتشر می‌کنند و مورد استقبال مردم و بازخواست «ساواک» قرار می‌گیرند. بهزاد و اسماعیل شیشه‌گران در این مقطع به جریان خلق پوسترهای انقلابی می‌پیوندند.





بهزاد، پوستر «پاینده ایران» را در آبان ۱۳۵۷ خلق می‌کند؛ پوستر صفی از زندانیان سیاسی را نشان می‌دهد که

با چشم‌بند در مقابل جوخه اعدام ایستاده‌اند و فریادی جاودانه بر لب دارند. این پوستر در آن ایام تأثیر زیادی بر مخاطبان خود گذاشت. بهزاد شیشه‌گران برای هر چه مستندتر شدن و تأثیرگذاری بیشتر کارش، در تهیه عکس، پارچه راه‌راهی می‌خرد و لباس زندان را می‌دوزد. کار آنچنان واقعی به نظر می‌رسد که متوجه نمی‌شویم مدل‌های عکس، پدر، برادران و پسردهایی او هستند. اسماعیل نیز هشت شهید کفن‌پوش را در پوستر «جمعه سیاه» به نمایش می‌گذارد. خطوط افقی تکرارشونده و کنتراست سیاه، سفید و قرمز تأثیر بصری این پوستر را افزایش می‌دهد. کوروش نیز همزمان با این دو، پوستر «برای امروز» را طراحی می‌کند؛ چهره‌هایی در حال فریاد، تفنگ‌هایی سیاه، امتداد لغزان خون از انتهای صورت‌ها و خطوط پیچانش که کار او را از بهزاد و اسماعیل متمایز می‌کند.

چون هیچ چاپخانه‌ای حاضر به چاپ این پوسترها نمی‌شد، پوسترها را به شیوه چاپ سیلک‌اسکرین در کارگاهی در خیابان جمهوری- گلشن منتشر می‌کنند. در ابتدا، پوسترها را با هزینه شخصی و کمک و حمایت دوستان منتشر می‌کنند. پس از مدتی پوسترها را ده، پانزده و بیست ریال می‌فروشند تا هزینه کاغذ و چاپ را تأمین کنند. پوسترها به سرعت جلوی دانشگاه فروش می‌رفت و مردم مشتاق بودند، ببینند، بخوانند و بشناسند. با نزدیک شدن به ماه‌های پیروزی انقلاب، پوسترها را به صورت اُفست چاپ کرده و دیگر محدودیت تیراژ سیلک را نداشتند.

انقلاب پیروز می‌شود، ولی آنان همچنان به طراحی و انتشار پوسترهایشان ادامه می‌دهند. اما پوسترهای پیش از انقلاب و پس از انقلاب تفاوت‌های جدی با هم دارد. برادران شیشه‌گران دیگر شناخته شده‌اند و نمی‌توانند چون گذشته بی‌محابا فریاد بزنند. پوستر «زنده‌باد ایران» بهزاد به «پیش از پرواز» تبدیل می‌شود؛ قصه کودکی که بادیادکش پیش از پرواز پاره شده است! پوسترها به لحاظ فنی پخته‌تر می‌شوند، اجراها دقت بیشتری پیدا می‌کند و لحن هنرمندانه آن بر لحن عامه‌فهمش غالب می‌شود. دیگر چاره‌ای نیست؛ چون زمانه، زمانه دیگری است! کوروش، پوستر «انقلاب بعد از یک سال» را می‌سازد؛ نمونه‌ای شاخص که پیامش را می‌رساند. با این حال، بیان این پوستر دیگر صراحت پوسترهای آغازین را ندارد. اسماعیل چند پوستر شاخص دارد: «پرنده آزادی»، «؟» و «به ارتجاع». او به زیبایی از عکس استفاده می‌کند و می‌داند، چه می‌خواهد بگوید. اما باز همان مقایسه‌ها، طراحی پوسترها تا زمان جنگ به صورت پیوسته ادامه پیدا می‌کند، ولی دیگر امکان ادامه آن وجود ندارد. پس از چند سال وقفه، اسماعیل پوسترهای «هنر سرنیزه امریکا» را منتشر می‌کند، بهزاد هم نمایشگاه پوسترهای «جهان‌پهلوان تختی» (۱۳۶۸) را برپا می‌دارد، و در موافقی چون زلزله رودبار و منجیل و بم همچنان پوسترهایشان را به مردم هدیه می‌کند.



در بررسی پوستره‌های این سه برادر نقاط مشترک فراوانی وجود دارد. در سال‌های انقلاب، برخی از طراحان و مردم باذوق پوستره‌هایی برای بیان دیدگاه‌های خود می‌ساختند. این پوسترها برحسب کارکردشان، بدون مهارت یا بی‌اعتنا به مهارت، ساخته می‌شوند. اما آثار برادران شیشه‌گران، علی‌رغم رعایت کارکرد اصلی و انتقال سریع پیام، از تکنیک بالایی برخوردارند، و آرام‌آرام به الگویی برای طراحان نسل بعد در ساخت پوستره‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. آنها یا شعارهای میهنی داشته‌اند یا با نگاهی نقادانه به طراحی پوستر پرداخته‌اند، و با پوستره‌هایشان اقبال و گروه‌های مختلفی را با گرافیک و پوستر آشنا کرده‌اند. از آنجا که پیش از انقلاب کارکرد بخش عمده‌ای از گرافیک محدود به قشر خاص بود و کارکرد تزئینی آن بیشتر بود، برای مثال، پوستری برای اجرای تئاتر یا آپرا با حداکثر تیراژ سیصد نسخه چاپ می‌شد. حتی پوستر نمایشگاه‌های مهمی چون «حش‌ن هنر شیراز» و «حش‌نواره فیلم تهران» در قیاس با این پوسترها از تیراژ پایینی برخوردار بودند. از این رو، این نوع پوسترها زمینه‌آشنایی قشرهای مختلف اجتماع را با گرافیک و پوستر فراهم می‌کند.

منبع

کتاب - پیتر چلکوفسکی و علی دیبانشی (۱۹۹۹) New York University Press. Staging a Revolution - حمید ساهر (۱۳۷۷). سیر تحولات هفتاد سال کاریکاتور ایران، تهران، آثریات. - نگاره. گزیده‌ای از آثار هنرمندان معاصر ایران (موزه هنرهای معاصر، ۱۳۶۲). - دکتر مرتضی گودرزی (۱۳۸۷). فرهنگستان هنر (توزیع نشده). - حسین چنغانی (۱۳۸۰). گرافیک ایران، داروگ. - مرتضی ممیز (۱۳۸۲). حرف‌های تجربه، به کوشش حسین چنغانی، نشر دید. مقاله- مهدی سبحانی (۱۳۸۷). از گل نازک‌تر، نشان، شماره ۱۸- آرش تنهایی (۱۳۸۷). پوستره‌های انقلاب، جهت اطلاع، شماره ۳۴- نجم‌الدین فرخ یار (۱۳۷۳). هنر گرافیک در تحولات اجتماعی ایران، هنر معاصر، شماره ۱۱. مصاحبه - گفت‌وگو با کوروش شیشه‌گران (۱۳۸۷)، تندیس، شماره ۱۴۲- گفت‌وگو منتشر نشده نگارنده با بهزاد شیشه‌گران و امیر اثباتی.

